

بازیکربندی مسئله قبیله‌گرایی در ایران امروز^۱

تقی آزاد ارمکی^۲، علی ایاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱

چکیده

جامعه ایرانی تغییرات متنوعی در حوزه‌های مختلف تجربه نموده است، با وجود شدت و سرعت این تغییرات در مناطق ایلی و محروم کشور از جمله استان ایلام، قبیله و ایل به مثابه یک نهاد اجتماعی، همچنان در مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، عاملی مسلط است. هدف اصلی این مقاله، طبق نظریه بوردیو تحلیل و فهم بازیکربندی قبیله‌گرایی به مثابه یک عادت‌واره است که دارندگان جایگاه‌های متفاوت در میدان، با بهره‌مندی از حجم و ترکیب‌های خاص سرمایه و بنابر نظریه‌های رز و روشتاین در ارتباط با وضعیت نهادی جامعه، واجد عادت‌واره‌های خاص قبیله‌گرایی‌اند و قبیله‌گرایی پدیده‌ای چند بعدی با صورت‌های مشابه است که تحت‌تأثیر شکست سازمانی در ایران امروز، بازیکربندی شده است. به این منظور، با روش ترکیبی پیمایش و مردم‌نگاری و استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، به مطالعه نمونه‌ای به حجم ۵۲۴ نفر از جامعه آماری شهروندان ۱۸ سال به بالای استان ایلام پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بین متغیر قبیله‌گرایی با متغیرهای شکست سازمانی، آنومی اجتماعی، چرخه شوم نهادی، منطق زیادگی و سرمایه فرهنگی رابطه مستقیم و معنادار و با سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین قبیله‌گرایی و ابعاد آن در بین اقشار مختلف دارای تفاوت معنادار است، به نحوی که قبیله‌گرایی اجتماعی در بین طبقه کارگر و لایه‌های پایین طوایف در قالب نزاع‌های دسته‌جمعی، وصلت‌های خویشاوندی و قبیله‌گرایی سیاسی، صورت مشروع قبیله‌گرایی است که در بین خرده‌بورژوازی و بورژوازی جدید به منظور ارتقا در سلسله‌مراتب اداری و کسب منافع، از طریق قبیله‌ای‌کردن سیاست و انتخابات صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قبیله‌گرایی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی، عادت‌واره، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، شکست سازمانی، ایلام.

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکترای علی ایاری در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران به راهنمایی دکتر تقی آزاد ارمکی است.

^۲ عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

^۳ دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

مقدمه و بیان مسئله

با وجود تجربه تغییرات در حوزه‌های مختلف، افزایش نرخ رشد شهرنشینی، تحصیلات، میزان درآمد و سایر شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی در استان ایلام، قبیله و ایل به‌مثابه یک نهاد اجتماعی همچنان در تحولات و مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یکی از عوامل تأثیرگذار است. نفوذ و تأثیر پارامترهای ایلی-قبیله‌ای و طایفه‌ای بر تصمیمات، راهبردهای سیاسی و اقتصادی و مناسبات اجتماعی چنان گسترده و عمیق است که در زندگی روزمره و تجارب زیسته شهروندان، کنش‌های سطح خرد مانند تعاملات روزانه و خریدوفروش و کنش‌های سطح کلان مانند شرکت در انتخابات محلی شوراهای شهر و روستا و مجلس، براساس آن تحلیل و تفسیر می‌شود. بسیاری از منازعات اجتماعی، نزاع‌های دسته‌جمعی و خشونت‌های موجود در حوزه مورد مطالعه از این فضا متأثر است، به‌گونه‌ای که به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی-میثاقی- در استان منجر شده است و به‌جای تسهیلگری در فرایند توسعه به‌مثابه مانع توسعه عمل می‌کند (قاسمی، ۱۳۸۳). بنابر مفروضات نظری، پارادایم نوسازی که به‌نوعی تقابل سنت و مدرنیته را برجسته می‌کند، انتظار می‌رفت با افزایش سطح تحصیلات و سرمایه فرهنگی، این سرمایه به خلق کنش‌های مدرن منجر شود و طایفه‌گرایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سنت‌گرایی و تأثیرگذار بر مناسبات اجتماعی-سیاسی مردم دچار فرسایش شود اما به‌رغم تحقق بسیاری از این مؤلفه‌ها، هنوز قبیله‌گرایی به‌مثابه پدیده دیرپای بر مناسبات اجتماعی-سیاسی مردم تأثیرگذار است؛ بنابراین، تبیین این مسئله در قالب دوگانه «سنت» و «مدرن» قادر به گشودن منظری جدید به فهم و تبیین این پدیده نیست. مبنای فکری اصلی دوگانه سنت-مدرنیته این است که سنت پسماندی است که بر هرچیز «غیرمدرن» دلالت می‌کند (پیترز، ۱۳۹۵: ۵۶)؛ اما بازپیکربندی و اثرگذاری قبیله‌گرایی در بافتی که فرایند مدرنیزاسیون را در ابعاد متفاوت تجربه کرده است، تحلیل‌های مبتنی بر دوگانه سنت و مدرن را به چالش کشیده است. قبل از هرچیز نیاز است «قبیله‌گرایی» را به‌اختصار تعریف کنیم. قبیله‌گرایی یا تریالیسم، تفکر سازمان‌دهی یک قبیله یا قبایل را برای دفاع و حمایت افراد عضو آن قبیله یا قبایل - افراد هم‌خون و خویشاوند - جهت کسب مزایای اجتماعی گویند که وفاداری‌شان به قبیله خود را به وفاداری به آرمان‌ها و منافع کلان‌تر ترجیح می‌دهند. قبیله‌گرایی

به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی در بخشی وسیع از جغرافیای کشور، که ساختار ایلی دارند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در بسیاری از موارد، قبیله‌گرایی با قوم‌گرایی مشتبه می‌شود. این در شرایطی است که قومیت بحثی کلان‌تر است که بر مؤلفه‌هایی مانند نسب و زبان و دین مشترک مبتنی است (مشونیس، ۱۳۹۵: ۱۳۱). درحالی‌که قبیله‌گرایی در مقیاسی بسیار کوچکتر نمایان می‌شود و مهم‌ترین مؤلفه در آن، نیای مشترک نزدیک و پیوند نسبی است. تداخل این دو مفهوم می‌تواند تحلیل‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را به خطا رهنمون شود. باید اشاره نمود که قبیله، تقریباً از کوچکترین حلقه‌های هویتی در درون یک ایل است که درنهایت به دودمان‌های مختلف تقسیم می‌شود. در برخی شرایط، دامنه قبیله‌گرایی از حدود قبیله فراتر می‌رود و بزرگترین واحد خویشاوندی یعنی «ایل» را هم دربر می‌گیرد.

شواهد و مشاهدات نشان می‌دهند که مختصات ایلی و قبیله‌ای در بسیاری از موارد حتی بر ساختار مدیریتی و سازمانی، انتخابات محلی مانند مجلس و شوراهای شهر و روستا و پیچیدگی مسائل اجتماعی استان ازجمله، نزاع‌های دسته‌جمعی، فساد اداری و غیره تأثیرگذار بوده است. حتی برخی، توسعه‌نیافتگی استان را محصول قبیله‌گرایی می‌دانند (نقدی و دیگران، ۱۳۹۱؛ قاسمی، ۱۳۸۳: ۳۴۵). بصیری و شادیوند (۱۳۸۵) و مسعودنیا و مهدی‌پور (۱۳۸۹) در تحقیقاتشان، در چارچوب رویکرد نوسازی، مناسبات قبیله‌ای و غلبه فرهنگ سیاسی سنتی، قبیله‌گرایی دوره اخیر ایلام را در قالب کنش سنتی تحلیل نموده‌اند، اما واقعیت این است که مسائل اجتماعی، حاصل خود جامعه است (مشونیس، ۱۳۹۵: ۲۹). وقتی کنشگر محلی پاسخ مقتضی از مداخله توسعه‌ای نمی‌گیرد و ازطرف دیگر، مسائل زندگی‌اش نیز بیشتر می‌شود، رویکرد ضد توسعه‌ای را انتخاب می‌کند و پناهگاه‌های هویتی و سنتی خود را تنها فضای امن برای زیستن خود می‌پندارد (یوسف-وند، ۱۳۹۵؛ کرم‌پور و یوسف‌وند، ۱۳۹۱). به‌همین دلیل، طی سده اخیر در ایران، کماکان شیوه‌های حل فردی دسترسی به اهداف و ارزش‌های اساسی، ارزش و اعتبار بیشتری داشته است (معیدفر، ۱۳۸۵: ۱۹۳). بنابراین، ریشه بازپیکربندی قبیله‌گرایی را برخلاف برخی پژوهش (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶ و سجادیان و همکاران، ۱۳۹۴) نه تنها در سنت، بلکه باید درون نظام اقتصادی و سیاسی جستجو کرد و بهبود آن مستلزم تغییر خود جامعه است. در این مقاله، برآنیم که چرایی بازپیکربندی قبیله‌گرایی - تداوم و/یا رجعت مجدد شهروندان به قبیله به‌مثابه یک «حلقه خرد

هویتی» را تحلیل کنیم. چرا با وجود شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای مدرن، مردم در پیگیری مطالباتشان هنوز از نهاد قبیله استفاده می‌کنند؟ مقاله پیش‌رو، قبیله‌گرایی را به‌مثابه تمهیدی آگاهانه و ناشی از شکست سازمانی در استان ایلام تحلیل می‌کند. این نگاه، در تقابل با رویکرد نوسازی است که با پذیرش فرض دوگانه سنتی-مدرن، قبیله‌گرایی را مؤلفه‌ای از فرهنگ سنتی-دهقانی تعریف می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر، قبیله‌گرایی «نوعی سازگاری عرفی» است و «به‌همین خاطر عدم‌کارایی هنجارهای رسمی و خلأ قانونی در جامعه ایران برخلاف جوامع غربی، کمتر موجب بحران اجتماعی و آنومی شده است» (معیدفر، ۱۳۸۵: ۱۹۶). علی‌رغم اینکه عامه مردم و نخبگان از «قبیله‌گرایی» به‌عنوان یک مسئله یاد می‌کنند، اما درعین‌حال تبعیت همگانی در صورت‌های مختلف از سازوکارهای قبیله‌ای، مانع شکل‌گیری یک اراده و جنبش همگانی و انزجار عمومی و جدی از قبیله‌گرایی در ساحت سیاست-اجتماعی استان شده است. ادعای مقاله حاضر نسبت دادن بازپیکربندی قبیله‌گرایی به مختصات کنونی جامعه وضعیت نهادی و حجم و ترکیب سرمایه‌عاملان یا کنشگران است و قبیله‌گرایی را به‌مثابه یک مکانیسم و نه سنت مورد مذاقه قرار می‌دهد؛ بنابراین، تلاش شده است بازپیکربندی قبیله‌گرایی به‌مثابه پیامد شکست سازمانی مطالعه شود و کم و کیف آن برپایه متفاوتی تبیین گردد که بوردیو برحسب موقعیت افراد در میدان یا حجم و ترکیب سرمایه‌عاملان مشخص می‌نماید.

پیشینه تجربی

در بخش ادبیات تحقیق، نخست به مطالعات تجربی مرتبط با این موضوع پرداخته‌ایم؛ پارسونز^۱ با طرح متغیر الگویی^۲ خاص‌گرایی-عام‌گرایی^۳ (کرایب، ۱۳۸۵: ۶۰)، خاص‌گرایی را به یکی از موضوعات مورد اعتنا در جامعه‌شناسی توسعه و تغییرات مبدل نمود. چنانچه قبیله‌گرایی را وجهی از خاص‌گرایی تلقی نماییم می‌توان رد این مفهوم را در رویکرد نوسازی اولیه و آثار افرادی مانند راجرز،^۴ که با تمرکز بر خانواده‌گرایی، لوی^۵ با طرح متغیر خاص‌گرایی و عام‌گرایی

1. Parsons

2. Pattern Variabl

3. Particularism- Universalism

4. Rogers

5. Levey

(عنبری، ۱۳۹۶: ۸۴) آن را به‌مثابه مانع توسعه دیده‌اند اسپیج^۱ (۲۰۰۶) در قالب هویت محله‌ای آن را بر خشونت مؤثر می‌داند، جستجو نمود؛ بیشتر مطالعات داخلی صورت گرفته در مورد قبیله‌گرایی در چارچوب همین رویکرد، صورت گرفته است. برخی از این مطالعات عبارت‌اند از: رضایی و بحرینی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «مطالعه رابطه عوامل فرهنگی و اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان» دریافته‌اند که قوم‌گرایی با گرایش به نزاع‌های جمعی، رابطه مستقیم و با تحصیلات رابطه معکوس دارد. میرزایی تبار و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «تبیین رابطه طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی» نشان داده‌اند که طایفه‌گرایی در جریان رأی‌دهی اثرگذار است و این وضعیت به ناکارآمد ساختن نیروهای اجتماعی، تخصیص ناعادلانه منابع و امکانات و نادیده گرفتن حقوق شهروندی در این حوزه انتخابیه منجر می‌شود و گروه روشنفکران فقط به صورت نظری با قبیله‌گرایی مخالف‌اند. سجادیان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی نقش طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی» به این نتیجه رسیده‌اند که محیط طایفه‌ای به احساس ناامنی و درگیری منجر می‌شود و تحصیلات با طایفه‌گرایی رابطه معکوس دارد. نیازی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «فراتحلیل رابطه بین طایفه‌گرایی و نزاع دسته‌جمعی با تأکید بر متغیر تعدیل‌گر قومیت» نشان داده‌اند که اندازه اثر طایفه‌گرایی بر نزاع دسته‌جمعی در حد متوسط است و نزاع و طایفه‌گرایی را میراث سنت دانسته‌اند که در گذر زمان بیشتر شده است. رومینا و صادقی (۱۳۹۴) نیز نشان داده‌اند که طایفه‌گرایی پایگاه حمایتی اطمینان‌بخشی برای نامزدها به‌شمار می‌رود. البته در مطالعات متأثر از نوسازی جدید جامعه‌شناسانی مانند وانگ^۲ با تمرکز بر تبارگرایی، کارکرد توسعه‌ای و ضد توسعه‌ای تبارگرایی را در تناسب با ساختار اجتماعی تحلیل می‌کند (سو، ۱۳۸۸: ۷۱) که مطالعه‌ای همسو با این رویکرد در کشور صورت نگرفته است. برخی از اندیشمندان از جمله مرنیسی (۱۳۸۵) با طرح همبستگی قبیله‌ای و طالب (۱۳۸۷) با اشاره به جنبه‌های مثبت و منفی خانواده‌گرایی بر ضرورت بازنگری در همبستگی سنتی یا قبیله‌گرایی تأکید دارند. پژوهش‌های دیگر از جمله رز^۳ (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «کارها در

1. Spaaij

2. Wong

3. Richard Rose

جامعه ضد مدرن چگونه پیش می‌رود: شبکه‌های سرمایه اجتماعی در روسیه» نشان داده است که مردم چگونه با اتخاذ مکانیسم «منطق زیادگی» چرب‌زبانی، پارتنری بازی و غیره در موقعیت‌های مختلف، راه‌حلی برای جبران شکست سازمانی دارند. جنیفر^۱ (۲۰۰۹) سیستم باعث شده است تا انتخابات «قبیله‌ای» شود و نتیجه آن، دولتی ناکارآمد باشد؛ همسو با این رهیافت (کرم‌پور و یوسفوند، ۱۳۹۱) سنن بومی را رقیب توسعه می‌دانند. در مواجهه‌ای انتقادی با مطالعات انجام‌شده در این زمینه، می‌توان چنین استدلال کرد که تنها رز (۱۳۸۵)، جنیفر (۲۰۰۹) و کرم‌پور و یوسفوند (۱۳۹۱) توانسته‌اند فراتر از دوگانه سنتی و مدرن، گرایش به خانواده‌گرایی و قبیله‌گرایی را به مثابه سازوکاری مرتبط با مختصات اجتماعی-سیاسی و وضعیت نهادی جامعه تحلیل کنند. وجه بدیع مطالعه حاضر آن است که به لحاظ روشی با اتخاذ رویکرد ترکیبی و از منظر بینشی فراتر از دوگانه سنتی-مدرن و مطالعات نوسازی باز پی‌گیرندگی قبیله‌گرایی را به مثابه یک سازوکار که عاملان با عنایت به حجم و ترکیب سرمایه در تناسب با وضعیت سازمانی جامعه در پیش می‌گیرند تحلیل می‌کند.

ملاحظات نظری

به منظور تحلیل نظری بازپی‌گیرندگی قبیله‌گرایی به مثابه یک مسئله، از رویکردهای نهادگرایی سرمایه اجتماعی و نظریه بوردیو استفاده شده است. تلاش بر آن بوده است که کارکرد گونه‌های مختلف سرمایه و وجه تمایزبخشی‌شان بر شرایط وضعیت نهادی-شکست سازمانی در ارتباط با قبیله‌گرایی به مثابه یکی از وجوه منفی خلیات تبیین شود. روثستاین و استول^۲ نظریه‌های سرمایه اجتماعی را به دو دسته جامعه‌محور و نهادمحور تقسیم کرده‌اند. آنها ضمن دفاع از رهیافت نهادمحور معتقدند که آنچه برای اعتماد فراگیر مهم است، کارآمدی و عدالت نهادهاست و فقدان اعتماد به نهادها، وجود فساد و رشوه‌خواری و احساس ناامنی در رابطه با دیگران بر اعتماد فراگیر، نگرش و رفتار شهروندان تأثیر می‌گذارد. نهادگرایان^۳ معتقدند که نهادها می‌توانند اعتماد مثبت فراگیر ایجاد کنند یا اعتمادی که تاریک است و فقط روابط درون گروه را تقویت

1. Jennifer

2. Rothstein & Stolle

3. Institutionalism

می‌کند و حتی به مخاصمه با برون گروه می‌انجامد (روستاین و استول، ۲۰۰۸ به نقل از شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۹).

ریچارد رز^۱ در نظریه جامعه ضدمدرن بر این عقیده است که سرمایه اجتماعی، عامل تمایز جوامع مدرن از غیرمدرن محسوب می‌شود. البته نوعی از سرمایه اجتماعی که در سایه حکومت قانون کار می‌کند (رز، ۱۳۸۵: ۵۷۱). از نظر وی، جامعه ضدمدرن با وجود موفقیت تکنولوژیک و فرستادن انسان به کره ماه، گرفتار ناکارآمدی‌های مزمن است. در فقدان سرمایه اجتماعی، نوعی شکست سازمانی حاصل می‌شود؛ یعنی شرایطی است که تعداد سازمان‌های رسمی زیاد و اهمیتشان بسیار است. با این حال، همان‌طور که انتظار می‌رود، غالباً این سازمان‌ها توان آن را ندارند که به قوانین و مقررات گردن نهند (همان: ۷۲-۵۷۱). این وضعیت، به خانواده‌گرایی غیراخلاقی^۲ می‌انجامد و در واکنش به این شرایط، کنشگران به یکی از این گزینه‌ها متوسل می‌شوند: شبکه‌های غیررسمی، پرداخت رشوه و کنش تقدیرگرایانه (همان: ۵۸۶). این شیوه‌ها، نوعی تدبیر برای جبران ناکارآمدی سازمان‌های بوروکراتیک از طریق عقب‌گرد به سوی روابط پیشامدرن، به‌شمار می‌آیند (همان: ۵۹۰). در چنین شرایطی، مردم به «منطق زیادگی» روی می‌آورند، به تعداد زیادی از شبکه‌ها متوسل می‌شوند تا اگر یکی از شبکه‌ها موفق نبود به دیگری روی بیاورند (همان: ۵۹۵). در این‌گونه شرایط، «افراد زرنگ» می‌توانند بازار مدرن و شبکه‌های ضدمدرن را باهم تلفیق کنند (همان: ۹۹-۵۹۸). قبیله‌گرایی مصداقی از شبکه‌های ضدمدرن است که در شرایط شکست سازمانی فعال می‌شود.

دستگاه نظری بوردیو می‌تواند ما را در شرایطی قرار دهد که ارتباط بین قبیله‌گرایی با موقعیت اجتماعی کنشگران را تفسیر و تحلیل کنیم. تأکید اصلی این است «درون یک فضا بودن یعنی متفاوت بودن» (بوردیو، ۱۳۹۴: ۳۸). بودن در فضای اجتماعی، براساس جایگاه عاملان از نظر سرمایه اقتصادی و فرهنگی نمود می‌یابد. تشابه و تفاوت کنش عاملان، به میزان قرابت و فاصله در این دستگاه دویعدی بستگی دارد. نکته اصلی در حجم و ترکیب سرمایه‌هاست (بوردیو، ۱۳۹۴: ۴-۳۳). بوردیو در تمایز، دو واقعیت اساسی را برجسته کرده است: ۱. رابطه‌ای نزدیک و نیرومند میان کردوکارهای فرهنگی و عقاید (متناظر با آنها) و سرمایه تحصیلی (که

1. Richard Rose

2. Anormal Familialism

برحسب مدارک تحصیلی سنجیده می‌شود) و همچنین خاستگاه اجتماعی (که با شغل پدر سنجیده می‌شود) وجود دارد، ۲. در سطوح هم‌تراز سرمایه تحصیلی هر قدر از مشروع‌ترین حوزه‌های فرهنگی دورتر شویم، وزن و اهمیت خاستگاه اجتماعی در تبیین فعالیت‌ها و ترجیحات فرهنگی بیشتر می‌شود (بوردیو، ۱۳۹۳: ۳۸). به ازای هر سطح از موقعیت‌ها، سطحی از عادت‌واره‌ها یا سلیقه‌ها وجود دارند که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آیند. این عادت‌واره‌ها و ظرفیت تکثیرکننده‌شان مجموعه‌ای انتظام‌یافته از ثروت‌ها و خصلت‌ها را ایجاد می‌کنند که در درون خود از یک وحدت اسلوب برخوردارند (بوردیو، ۱۳۹۴: ۳۵). وی سه حوزه ذوقی را از هم تمیز داد که عبارت‌اند از: ۱. سلیقه مشروع که در بین طبقه‌ای رایج است که بیشترین سرمایه فرهنگی و تحصیلی را دارد، ۲. سلیقه میان‌مایه که در بین طبقات متوسط، بیش از کارگران و روشنفکران وجود دارد و ۳. سلیقه عامیانه در میان طبقه کارگر بیشتر رواج دارد (همان: ۴۲). ما برحسب نظریه بوردیو، توضیح می‌دهیم که چگونه سلیقه‌های متفاوت در خصوص قبیله‌گرایی شکل می‌گیرد. سلیقه‌ها برحسب شرایط متفاوت اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرند و قادرند هویت‌های اجتماعی متفاوت خود را به محصولات اعطا کنند. عادت‌واره امکان برقرارساختن رابطه ضروری و قابل‌فهم میان کردوکارها و یک وضعیت را فراهم می‌آورد (همان: ۱۵۱). اعمال در میدان‌های متفاوت و تحت فرمان منطقی‌های متفاوت انجام می‌شوند که براساس فرمول یا رابطه زیر اتفاق می‌افتند:

$$\text{ریختار (سرمایه)} + \text{میدان} = \text{عمل}$$

ریختار طبع و قریحه‌ای عام و انتقال‌پذیر است که به صورت سیستماتیک و همه‌شمول، همان ضرورتی را به کار می‌بندد که در بطن شرایط یادگیری‌های اولیه نهفته است؛ به همین دلیل، همه کردوکارهای کسانی که در وضعی مشابه رشد کرده‌اند، به دلیل یکسانی شاکله‌ها همسان است و هم به طور سیستماتیک، با دیگران تفاوت دارند (همان: ۲۳۹-۲۳۸)؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه استنباط نمود که برخورداری از حجم و ترکیب‌های متفاوت سرمایه، به تخصیص جایگاه‌های متفاوت در میدان، عادت‌واره‌های متفاوت و در نهایت به بازی‌کرنندی قبیله‌گرایی و کردوکارهای متفاوت قبیله‌گرایی منجر می‌شود.

با ترکیب نظریه‌های نهادگرایی و تمایز بوردیو می‌توان به تبیین تفاوت کارکرد سرمایه و خلق تمایز در نگرش‌ها و خلیات _قبیله‌گرایی_ بر حسب شرایط نهادی متفاوت پرداخت. طبق نظریه بوردیو، حجم و ترکیب سرمایه‌ها، که اساس تمایز است، بر اساس مفروضات نظریه نهادگرایی، متناسب با شرایط نهادی عمل می‌کند. البته بوردیو نسبت سرمایه‌ها و میدان‌های خاص را به میدان‌های عام کنکاش نمی‌کند، اگرچه گزاره اصلی نظریه بوردیو مبنی بر اینکه ترکیب و حجم سرمایه، اکتسابی بودن و انتسابی بودن (دیررس یا زودرس بودن سرمایه) در نهایت، به ایجاد تمایز منجر می‌شود، می‌تواند در شرایط نهادی مختلف همچنان صادق باشد و این متغیرهای مهم و تمایزها سرانجام در راستای مختصات نهادی _محیط عام_ جامعه حرکت می‌کنند؛ بنابراین، بر اساس نظریه روستاین و استول و ریچارد رز درباره چگونگی پیشرفت کارها در جامعه ضدمدرن و نظریه تمایز بوردیو می‌توان چنین استدلال نمود که بازیگر بندی قبیله‌گرایی پیامد کژکارکردها و کیفیت پایین سازمان‌ها و نهادها در استان ایلام است و صورت‌های مختلف آن از میزان برخورداری از حجم و ترکیب سرمایه عاملان در میدان متأثر است.

فرضیه‌ها

- بین شکست سازمانی و قبیله‌گرایی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین چرخه شوم نهادی و قبیله‌گرایی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی و قبیله‌گرایی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی و قبیله‌گرایی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین آنومی اجتماعی و قبیله‌گرایی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین منطق زیادگی و قبیله‌گرایی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- بین پایگاه طبقاتی و ابعاد قبیله‌گرایی افراد رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

روش این مطالعه ترکیبی^۱ است، با این فرض که ترکیبی از رویکردها درکی جامع‌تر نسبت به موضوع به ما می‌دهد (هسه بایر، ۱۳۹۵: ۲۶). فاز اول تحقیق با روش پیمایشی^۲ انجام شده است.

1. Mixed Method

2. Survey

در فاز دوم، با استفاده از روش مردم‌نگاری در شاخص‌ترین شکل خود، که شامل مشارکت طولانی‌مدت، پنهان یا آشکار قوم‌نگار در زندگی روزمره و گردآوری هر نوع داده‌ای است (هامرسلی و اتکینسون، ۱۹۹۵: ۱ به نقل از فلیک، ۱۳۹۱: ۲۵۳)، بر فهمی پویا از شکل‌گیری موضوع (ایمانی، ۱۳۸۱: ۴۶) تمرکز شده است. استفاده از این روش کمک می‌کند تا همبستگی کمی از نظر معنای جامعه‌شناختی واکاوی شود.

جامعه آماری تحقیق عبارت است از تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای استان ایلام که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۸۹ هزار نفر بوده‌اند. در بخش پیمایش، براساس فرمول کوکران و در نظر گرفتن احتمال ریزش ۱۰ درصدی نمونه همچنین افزایش سهم برخی از اقشار، حجم نمونه به ۵۴۰ نفر افزایش داده شده است. به منظور دسترسی به نمونه‌ای نمایا، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد و در نهایت، ۵۲۴ پرسش‌نامه مورد تحلیل قرار گرفت. در بخش کیفی، جهت درک موردهای مهم (پاتن، ۱۹۹۹: ۱۹۷) شرایط و پیشامدهایی که اغلب پژوهشگر را به انجام نمونه‌گیری با بهره‌گیری از فرصت‌های پیش‌آمده ترغیب می‌کند (پاتن^۱، ۱۹۹۹: ۱۱۹۷؛ پاتن، ۲۰۰۲ به نقل از هسه بایبر، ۱۳۹۵: ۱۰۲) تعقیب شده است. در این تحقیق، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و بحث‌های گروهی با افرادی انجام شده است که تمایل به مصاحبه داشتند و قادر بودند درباره رفتارهایشان بحث کنند. نمونه بخش کیفی از مشاهده مشارکتی در ۲۰ موقعیت، ثبت مشاهدات روزانه و مصاحبه با ۳۰ نفر حاصل شده است. به منظور گردآوری اطلاعات فاز کمی در بخش پیمایشی پژوهش از پرسش‌نامه استفاده شد. در بخش مردم‌نگاری، از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، بحث گروهی و مشاهده استفاده شده است.

تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها با توجه به ماهیت ترکیبی داده‌ها، روش‌های مقتضی و متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مقاصد پژوهشی به‌کار رفته است؛ از شاخص‌های مرکزی، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون مقایسه میانگین‌ها _تحلیل واریانس_ رگرسیون و تحلیل مسیر، برای تحلیل داده‌های کمی و از روش تحلیل محتوای کیفی، برای تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است.

^۱. Patton

به این صورت که مفاهیم در ارتباط با موضوع تحقیق با رجوع به داده‌ها احصا و با یافته‌های کمی ترکیب شده‌اند.

مفاهیم و متغیرهای تحقیق

سرمایهٔ اجتماعی^۱: بورديو سرمایه اجتماعی را جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای می‌داند که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط نهادینه شده و شناخت متقابل یا عضویت در یک گروه است (بورديو، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

برای سنجش بعد ساختاری سرمایه اجتماعی، از ۱۳ گویه در قالب طیف لیکرت به قرار زیر استفاده شده است:

- الف. مشارکت رسمی (۴ گویه): ۱. شرکت در جلسات انجمن‌های علمی-هنری و غیره، ۲. پایگاه مقاومت، ۳. فعالیت‌های ورزشی، و ۴. انجمن اولیا و مربیان.
- ب. مشارکت همیارانه (۳ گویه): ۱. قرض دادن وسایل خانه، ۲. عیادت افراد فامیل و آشنا و ۳. شرکت در جشن و ختم.
- ج. مشارکت مذهبی (۳ گویه): ۱. شرکت در نماز جمعه و جماعت، ۲. شرکت در مراسمات مذهبی در مسجد و ۳. زیارت اماکن متبرکه.
- د. مشارکت خیریه‌ای (۳ گویه): ۱. کمک به مردم بحران‌زده، ۲. کمک به افراد نیازمند، ۳. جشن عاطفه‌ها و غیره.

برای سنجش بعد شناختی سرمایه اجتماعی، اعتماد در ابعاد نهادی و بین‌فردی به شرح زیر سنجش شده است:

- اعتماد بین‌فردی (۴ گویه): ۱. خیلی راحت در دودل‌ها و مشکلات خود را با اعضای خانواده در میان می‌گذارم، ۲. خویشاوندان و بستگان من معمولاً درستکار و صادق‌اند، ۳. چقدر احتمال دارد مشکلات خود را به قصد کمک گرفتن با همسایه‌ها در میان بگذارید و ۴. همهٔ مردم درستکارند و وظایف و کارهای خود را به خوبی انجام می‌دهند.

اعتماد نهادی (۴ گویه): ۱. در صورت احساس خطر یا تهدید به چه میزان ترجیح می‌دهید موضوع را به نیروی انتظامی گزارش دهید، ۲. رأی قضات معمولاً بدون سوگیری و طرفداری از

^۱. Social Capital

شخصی خاص است، ۳. فروشندهگان اطلاعات درستی را در مورد اجناس به مشتری می‌دهند و ۴. اعضای شورای شهر در طرح و پیگیری مشکلات مردم، به وظایف خود عمل می‌کنند. مقیاس سرمایه اجتماعی از میانگین مجموع نمره ۲۱ گویه فوق ساخته شده است (نمره ۱ به معنای حداقل و نمره ۵ به معنای حداکثر برخورداری از سرمایه اجتماعی).

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی به عنوان شاخص ترکیبی، شامل تمایلات و گرایش‌های روانی افراد به استفاده از کالاهای فرهنگی، میزان مصرف مستقیم کالاهای فرهنگی به طور عینی و مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی افراد است که در ابعاد زیر سنجش شده است:

الف. حالت عینیت یافته^۱ (۷ گویه): ۱. میزان رفتن به سینما، ۲. کنسرت موسیقی، ۳. تماشای تئاتر، ۴. بازدید از نمایشگاه عکس و گالری، ۵. میزان هزینه برای خرید کتب غیردرسی، ۶. آثار موسیقایی و ۷. میزان مطالعه مجلات.

ب. حالت تجسم یافته یا ذهنی^۲ (۷ گویه در قالب طیف لیکرت): ۱. عضویت در کتابخانه، ۲. داشتن اشیای فرهنگی، ۳. تماشای فیلم، ۴. دانستن نام نویسندگان رمان‌ها، ۵. آشنایی با مجلات فرهنگی و هنری، ۶. حفظ شعر، ۷. نواختن ساز، و ۸. مهارت در زبان‌های خارجی (۰ به معنای فقدان و ۵ به معنای حداکثر میزان سرمایه فرهنگی).

ج. حالت نهادی شده^۳ (۴ گویه در قالب طیف لیکرت): ۱. تخصص در رشته‌های فرهنگی و هنری، ۲. دریافت گواهینامه‌های هنری و فرهنگی، ۳. دریافت نشان افتخار، ۴. تقدیرنامه‌های هنری و ۵. مدرک تحصیلی (۰ به معنای فقدان و ۵ به معنای حداکثر میزان سرمایه فرهنگی نهادی شده). مقیاس سرمایه فرهنگی براساس سنجه طراحی شده توسط حسن پور و قاسمی (۱۳۹۵) با اندکی تغییر ساخته شده است.

شکست سازمانی: شکست سازمانی عبارت از شرایطی است که سازمان‌ها توان آن را ندارند که غیرشخصی کار کنند و به قوانین و مقررات گردن نهند (رز، ۱۳۸۵: ۷۲-۵۷۱). این متغیر در قالب طیف لیکرت و از طریق ۳ گویه زیر سنجش شده است:

۱. بدون آشنا در ادارات کار آدم معطل می‌ماند، ۲. بعضی برای انجام کارهای اداری خود به کارمندان شیرینی رشوه می‌دهند و ۳. از طریق قانون می‌توان به حقوق خود رسید. مقیاس

1. Objectified

2. Embodied

3. Institutionalized

شکست سازمانی، میانگین نمره ۳ گویه مذکور است (۱ به معنای فقدان و ۵ به معنای حداکثر شکست سازمانی).

تصور از چرخه شوم نهادی: طی این فرایند، فرادستانی که قدرت را در اختیار دارند نهادها را برای اطمینان از تداوم قدرت خود سازمان دهی می کنند و این نوع از چرخه شوم، به استمرار نهادهای استثماری و تداوم توسعه نیافتگی منجر می شود (همان: ۶۴). سه گویه ای که برای سنجش این مقیاس استفاده شده اند به قرار زیرند:

۱. به نظرم در شرایط فعلی وام های اشتغال زایی بیشتر برای مسئولان و بستگان خودشان است، ۲. سیاستمدارها و مسئولان امتیازات اقتصادی مانند شرکتها و صادرات و واردات کالاها، پیمانکاریها و غیره را در اختیار دارند و ۳. گرفتن وام های اشتغال زایی برای همه مردم راحت و آسان است و هرکس اراده کند می تواند در اسرع وقت یک کسب و کار راه اندازی کند. مقیاس چرخه شوم نهادی، میانگین نمره ۳ گویه مذکور است (۱ به معنای فقدان و ۵ به معنای حداکثر وجود چرخه شوم نهادی).

منطق زیادگی^۱: در شرایطی که سازمانها قانونی عمل نمی کنند، مردم برای رسیدن به اهداف، شبکه های زیادی را فعال می کنند تا در صورت عدم موفقیت یکی به دیگری متصل شوند (رز، ۱۳۸۴: ۵۹۵). با استفاده از ۳ گویه، پاسخگویان را در سه وضعیت فرضی قرار داده ایم: ۱. نیاز به مبلغی وام، ۲. استخدام خود یا اعضای خانواده و ۳. انتظار برای عمل جراحی. سپس ۶ گزینه محتمل در برابر هر کدام از وضعیت های مذکور برای پاسخگویان به این شرح ترسیم شده است: ۱. آشنایی و فامیلی، ۲. داستان سرهم کردن، ۳. قول شیرینی دادن، ۴. درخواست از یک مسئول نماینده و غیره، ۵. التماس و خواهش و ۶. اعتماد به سازمان مربوط.

پاسخگو در صورت انتخاب یکی از گزینه های ۱ تا ۵، حق انتخاب گزینه ۶ را نداشته و به ازای انتخاب هریک گزینه، نمره ۱ دریافت کرده است؛ برای مثال، چنانچه یک پاسخگو برای دریافت وام، از گزینه های ۱ و ۳ و ۵ استفاده کند، نمره اش در منطق زیادگی برابر با ۳ می شود و انتخاب گزینه ۶ به معنای فقدان منطق زیادگی است.

منطق زیادگی با میانگین نمره ۰ تا ۵ سنجش شده است (نمره ۱ به معنای حداقل و نمره ۵ به معنای حداکثر منطق زیادگی).

^۱. Redundancy

قشربندی اجتماعی: سنجش مفهوم طبقه دشوار است. بوردیو آن را مفهومی چندبعدی می‌داند. همچنین برای بوردیو «نظام شغلی» هسته نهادی «ساختار طبقاتی» را تشکیل می‌دهد (واینینگر، ۱۳۹۵: ۱۳۸ به نقل از جلالی‌پورو عزیز می‌مهر، ۱۳۹۵: ۳۲۵). با تمرکز بر شغل و طبقه‌بندی بوردیو در کتاب تمایز از مشاغل و نظر متخصصان در جامعه مورد مطالعه با لحاظ نمودن درآمد و تحصیلات و به عبارت دیگر، حجم و ترکیب سرمایه افراد آنها را در پنج لایه متفاوت به شرح ذیل طبقه‌بندی نموده‌ایم:

طبقه کارگر: کشاورزی، دام‌پروری سنتی، کارگر روزمزد، بیکار، راننده.

خرده‌بورژوازی سنتی: مکانیک، برق‌کار، مغازه‌دار، بنا، آرایشگر، جوشکار، خیاط.

خرده‌بورژوازی نو: مشاغل کارمندی، معلم، رئیس ادارات، بازنشسته‌های اداری.

بورژوازی سنتی: و مشاغلی مانند بازاری، زمین‌دار.

بورژوازی نو: دندان‌پزشک، پروتز دندان، پزشک، هیئت‌علمی، مدیران کل، وکلای پردرآمد،

پیمانکار.

قبیله‌گرایی: قبیله‌گرایی «به مدلی از تفکر و رفتار ارجاع دارد؛ نوعی سازمان‌دهی افراد هم‌خون و خویشاوند برای کسب مزایای اجتماعی، حمایت و دفاع از وابستگان و ترجیح منافع قبیله بر قانون و منافع جامعه بزرگتر است. برای قبیله‌گرایی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته شده است؛ منظور از بعد اجتماعی استفاده از مکانیسم قبیله‌گرایی به منظور حفظ مزایای اجتماعی مانند وصلت، تفریحات خانوادگی و غیره است (از طریق گویه‌های ۱ و ۲ سنجش شده است). بعد اقتصادی استفاده از مکانیسم قبیله‌گرایی در مناسبات و مراودات اقتصادی مانند خرید از مغازه اقوام، کار اقتصادی با اقوام و بستگان است (از طریق گویه شماره ۳ سنجش شده است). بعد سیاسی قبیله‌گرایی به استفاده از این مکانیسم در فعالیت‌های سیاسی از جمله انتخابات‌های محلی، تلاش برای انتصاب خویشاوندان به سمت‌های اداری و سیاسی اشاره دارد (از طریق گویه‌های ۴ و ۵ سنجش شده است). این متغیر از طریق ۵ گویه زیر سنجش شده است که در هریک از شرایط زیر افراد چقدر فامیل و هم‌قبیله را بر دیگران ترجیح می‌دهند:

۱. وصلت و ازدواج خود یا یکی از اعضای خانواده، ۲. مسافرت رفتن، تفریح و شب نشینی‌ها، ۳. خرید مایحتاج روزانه و کالاهای مورد نیاز، ۴. رأی دادن در انتخابات مجلس و شورای شهر و روستا و ۵. تلاش برای انتصاب بستگان خود به سمت‌های مدیریتی. مقیاس قبیله گرایی، از میانگین نمره ۵ گویه مذکور ساخته شده است (نمره ۱ به معنای فقدان و نمره ۵ به معنای حداکثر قبیله گرایی است).

روایی و پایایی

برای سنجش اعتبار، از اعتبار محتوا و به منظور برآورد پایایی یا موثوق بودن داده‌ها (میرزایی، ۱۳۹۰: ۳۱۱) از پایایی همسانی گویه‌ها از نوع آلفای کرونباخ استفاده شده است که با توجه به اینکه این رقم بالاتر از ۷۰ صدم بوده است، بیانگر پایایی قابل قبول گویه‌های مورد استفاده است. برای بخش مردم‌نگاری، از روایی کیفی استفاده شده است که در آن مشاهده‌گران متفاوت یا یک مشاهده‌گر مواردی را با یک مقوله مشابه در مناسبت‌ها و موقعیت‌های متفاوت الصاق می‌کنند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۸۳). همچنین ثبت جزئیات بیشتر (فلیک، ۱۳۹۱: ۴۱۳) در بهبود پایایی کل مدنظر بوده است.

جدول شماره ۱: ضریب پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	شکست سازمانی	چرخه شوم	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	منطق زیادگی	آنومی اجتماعی	قبیله گرایی
آلفای کرونباخ	۰/۸۵	۰/۸۳	۰/۷۶	۰/۸۹	۰/۸۳	۰/۸۹	۰/۹۱

یافته‌ها

با توجه به رویکرد ترکیبی تحقیق به مسئله مورد مطالعه، ترکیب یافته‌ها در این بخش، مدنظر بوده است. در ادامه، یافته‌های توصیفی و تبیینی متناسب با فرضیات تحقیق ذکر شده‌اند.

جدول شماره ۲: میزان قبیله‌گرایی و گونه‌های مختلف آن

سطوح	قبیله‌گرایی اجتماعی			قبیله‌گرایی سیاسی			قبیله‌گرایی اقتصادی			قبیله‌گرایی		
	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	37	7.1	7.1	37	7.1	7.1	38	7.3	7.3	90	17.4	17.4
کم	36	6.9	14.1	36	6.9	14.1	86	16.6	23.9	95	18.3	35.7
متوسط	102	19.7	33.8	102	19.7	33.8	139	26.8	50.8	139	26.8	62.5
زیاد	125	24.1	57.9	125	24.1	57.9	146	28.2	79.0	139	26.8	79.5
خیلی زیاد	218	42.1	100.0	218	42.1	100.0	109	21.0	100.0	106	20.5	100.0
کل	518	100.0	518	518	100.0	518	518	100.0	518	518	100.0	518

بنابر اطلاعات جدول فوق، ۴۲/۱ درصد از پاسخگویان در سطح خیلی زیاد و ۲۴/۱ درصد در سطح زیاد خلیات قبیله‌گرایی دارند. داده‌ها نشان می‌دهند که ۶۶/۲ درصد از پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی‌زیاد دارای قبیله‌گرایی سیاسی، ۴۹/۲ درصد دارای قبیله‌گرایی اقتصادی و ۳۷/۵ درصد دارای قبیله‌گرایی اجتماعی بوده‌اند.

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیرها	شکست سازمانی	چرخه شوم	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	آنومی اجتماعی	منطق زیادگی	قبیله‌گرایی
شکست سازمانی	1						
چرخه شوم	.650**	1					
سرمایه فرهنگی	.307**	.274**	1				

ادامه جدول شماره ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیرها	شکست سازمانی	چرخه شوم	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	آنومی اجتماعی	منطق زیادگی	قبیله گرایي
سرمایه اجتماعی	-.690**	-.641**	-.283**	1			
اعتماد نهادی	-.648**	-.398**	-.290**	.565**			
آنومی اجتماعی	.743**	.726**	.273**	-.798**	1		
منطق زیادگی	.727**	.513**	.147**	-.525**	.585**	1	
قبیله گرایي	.579**	.483**	.137**	-.440**	.579**	.483**	1

(علامت * بیانگر معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان $P \leq 0.05$ و علامت ** بیانگر معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان $P \leq 0.01$ است).

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود، بین متغیرهای شکست سازمانی (۰/۵۷۹)، آنومی اجتماعی (۰/۵۷۹)، چرخه شوم نهادی (۰/۴۸۳)، منطق زیادگی (۰/۴۸۳) و سرمایه فرهنگی (۰/۱۳۷) با قبیله گرایي، رابطه مستقیم و با متغیر سرمایه اجتماعی (۰/۴۴۰-) رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. یافته های مردم نگارانه نشان می دهند که در شرایط شکست سازمانی، سرمایه فرهنگی موجب فهم عمق شکست سازمانی و سرمایه اجتماعی مسیرهای دیوان سالاری زدایی نمودن فراهم می کنند و در مسیری خلاف دیوان سالاری سازمانی، تسهیلگر روابط شده، از «مسیرهای میان بر» تحقق اهداف را میسر می سازد. در این راستا، می توان به دو نقل قول زیر اشاره کرد:

«... بچه هاتون حوزه امتحان نهایی میدن، سفارش بکنید، من و شوهرم به همکارا سپردیم و از این بابت نگرانی نداریم...» (مشاهده دیالوگ دو خانم، ۷ خرداد ۱۳۹۷).

«ببخشید فرزندم برای... قبول شده است... برام سراغ بگیرید بینم کی مسئول مصاحبه است... البته به آقای X و آقای... آقای... که مسئول... به آقای... و... گفتم شما هم زحمت بکشید و...» (مرد، مغازه دار، ۴۸ ساله، مردادماه ۱۳۹۸).

جدول شماره ۴: آزمون تحلیل واریانس میانگین قبیله‌گرایی در بین اقشار مختلف

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	منابع	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig
قبیله‌گرایی	کارگر	227	3.052	.7165	بین‌گروهی	64.598	4	16.149	32.31	.000
	خرده‌بورژوازی سنتی	98	3.244	.6761						
	خرده‌بورژوازی جدید	163	3.83	.745						
	درون‌گروهی	بورژوازی سنتی	21	3.761	.496	519	259.350	.500		
		بورژوازی جدید	15	2.955	.532					
		کل	524	3.356	.787					

یافته‌های تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهند که میانگین قبیله‌گرایی طبقه کارگر ۳/۰۵، خرده‌بورژوازی سنتی ۳/۲۴، خرده‌بورژوازی جدید ۳/۸۳، بورژوازی سنتی ۳/۷۶ است. کمترین میزان مربوط به بورژوازی جدید با میانگین ۲/۹۵ بوده است. مقدار آماره F (۳۱/۳۱) با توجه به مقدار $P < ۰/۰۵$ معنادار است؛ به عبارت دیگر، بین جایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و قبیله‌گرایی در مناسبات اجتماعی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. بنابر یافته‌ها بیشترین میزان قبیله‌گرایی در بین خرده‌بورژوازی جدید وجود دارد.

جدول شماره ۵: آزمون تحلیل واریانس میانگین قبیله گرایی اجتماعی در بین اقشار مختلف

نمونه	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	منابع	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	sig
قبیله گرایی اجتماعی	کارگر	227	3.563	1.211	بین گروهی	75.334	4	18.833	14.235	.000
	خرده بورژوازی کهنه	98	3.061	.894						
	خرده بورژوازی جدید	163	3.362	1.261	درون گروهی	686.643	519	1.323		
	بورژوازی سنتی	21	3.761	.889						
	بورژوازی جدید	15	1.466	.516						
	کل	524	3.355	1.207	داخل	761.977	523			

مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میزان قبیله‌گرایی اجتماعی طبقه کارگر ۳/۵۶، خرده‌بورژوازی سنتی ۳/۰۶، خرده‌بورژوازی جدید ۳/۳۶، بورژوازی سنتی ۳/۷۶ و بورژوازی نو ۱/۴۶ بوده است؛ بنابراین، در قبیله‌گرایی اجتماعی، بورژوازی سنتی و کارگران مشابه هم عمل می‌نمایند. خرده‌بورژوازی جدید نیز شرایطی مشابه دارد. آزمون‌های تعقیبی نشان می‌دهند که فقط بورژوازی جدید است که میانگین قبیله‌گرایی اجتماعی‌اش با سایر اقشار متفاوت است؛ به عبارت دیگر، بورژوازی نو، چندان از مناسبات اجتماعی سنتی حاصلی بر نمی‌بندد و از نظر اجتماعی، بر رابطه‌های درون طبقه‌ای خود متمرکز است. طبقه کارگر در زمینه‌هایی مانند شرکت در مجالس ترحیم، عروسی، استقراض‌های خرد خویشاوندی، و وصلت و ازدواج، طایفه و ایل را به دلیل تحمل شرایط و سهل‌گیری در ازدواج ترجیح می‌دهد:

«... هرچه باشد دختر عمو پسر عمو هستند، امروز مشکلی بود، بیکاری بود، درآمد نبود، تحمل

می‌کنه. خوب و بدمون مال همه...» (زن، ۴۰ ساله، ۱۳۹۸/۶/۲۵).

«برادر ما باشد هزار باشد، برادر چوب پشته برادر است، روز آخر این فامیل است به حال فامیل می‌رسد...» (مرد، ۶۳ ساله، کشاورز، اردیبهشت ۹۷).

البته رده‌های پایین جامعه متوجه سوءاستفاده لایه‌های بالای طوایف_ که دارای حجم سرمایه بالایی در گونه‌های مختلف‌اند_ از روابط طایفه‌ای می‌شوند:

«... فردا که کاندید میشن، یا بحث انتخابات هست، فامیل می‌شیم، دیروز بهش گفتم در بانک ضمانت یک وام ۵ میلیونی را قبول نکرد» (مرد، ۳۴ ساله، کارگر، دی‌ماه ۱۳۹۷).

«... پسرم معلم شده، همسرم میگه با فامیل ازدواج کنه، ولی نه، فامیلی به چه درد می‌خوره. او باید با یک زن کارمند، حقوق‌بگیر ازدواج کنه...» (معلم بازنشسته، ۵۴ ساله، ۹۷/۱۱/۲۷).

بخشی دیگر از تعهد و تعلق به قبیله‌گرایی اجتماعی، در قالب شرکت در نزاع‌های دسته‌جمعی نمایان می‌شود. لایه‌های پایین_ عمدتاً فاقد گونه‌های مختلف سرمایه_ در این شرایط وارد بازی می‌شوند:

«اشکال ندارد، زندان بریم، جریمه بشیم، کشته بشیم، از برادر خودمون دفاع کردیم؛ ما مثل طایفه... بی‌غیرت نیستیم» (مشاهده نزاع دسته‌جمعی، شهریور ۱۳۹۸).

لایه‌های پایین طوایف بیشتر «ابزار» هستند نه «موضوع» درگیری. آنها در مناسبات اجتماعی طایفه‌ای چیزی برای نمایش ندارند و در شرایط نزاع‌ها و انتخابات، از طرف لایه‌های بالاتر برانگیخته و به کار گرفته می‌شوند. طبق نظریه بورديو نیز در بین طبقه پایین، «مردانگی» ارزشی است که وحدت گروه بر آن مبتنی است (بون ویتز، ۱۳۹۶: ۷۳). طبقه کارگر مردانگی خود را به ساحت قبیله‌گرایی اجتماعی پیوند می‌دهد. طبقات فرادست، در صورت تهدید منافع شخصی خود و/یا نزاع فردی با شخص دیگر به راحتی قادرند مسئله شخصی خود را به مسئله طایفه تبدیل کنند و در غیراین صورت، در قالب مصلح اجتماعی، نقش میانجی را برعهده می‌گیرند:

«بینید اصلاً دوره جنگ و طایفه گذشته، وحشی‌گری است، آبروی طایفه را برده‌اید، دوره قلم است، دوره فرهنگ است...» (مرد، فوق‌لیسانس، فرهنگی، مهر ۹۷).

«...فلانی_ مرد فوق‌لیسانسی/فرهنگی_ تماس گرفته گفته قصد درگیری با خانواده‌های فلانی دارد، از شوهر ما و برادرشوهرهایم خواسته برای کمکش برونند» (زن، ۵۱ ساله، خانه‌دار، آذر ۹۸).

همان فرد میانجی گر که از رده های بالای یک قبیله محسوب می شود، در صورت تهدید شخصی، همه را به نزاع دعوت می کند و به درگیری و نزاع دسته جمعی، صورتی «مشروع» و «ضروری» می دهد.

لایه های متوسط و بالای طوایف، قدرت مشروع جلوه دادن و تقبیح صورت های مختلف قبیله گرایي را دارند. آنها توانایی این را دارند که نقش های مختلف «میانجی گری»، «مسبب البته مظلوم» و «بی تفاوت» را برعهده بگیرند. لایه های پایین نیز مستعد آن اند که نقش «برادر غیرتی» و «مسبب نزاع» را داشته باشند. در این زمینه، لایه های متوسط ایلی، معمولاً نگاهی کاملاً ابزاری دارند و شرکتشان در مجالس ترحیم و عروسی ها و عیادت ها بیشتر صبغه سیاسی و ابزاری دارد: «فردا بالاخره نیاز به رأی دارید حداقل عروسی و عزای مردم را شرکت کنید» (مشاهده مشارکتی، مجلس عروسی).

جدول شماره ۶: آزمون تحلیل واریانس میانگین قبیله گرایي اقتصادی در بین اقشار مختلف

منتهر	گروه	تعداد	میانگین	استاندارد	انحراف	منابع	مجدورات مجموع	آزادی درجات	مجدورات میانگین	F	sig
قبیله گرایي اقتصادی	کارگر	227	2.502	1.08642	بین گروهی	175.290	4	43.822	40.192	.000	
	خرده بورژوازی کهنه	98	3.040	.90723							
	خرده بورژوازی جدید	163	3.797	1.07244	درون گروهی	565.876	519	1.090			
	بورژوازی سنتی	21	3.809	.87287							
	بورژوازی جدید	15	2.533	1.12546							
	کل	524	3.059	1.19044	کل	741.166	523				

مقایسه میانگین ها نشان می دهد که میزان قبیله گرایي اقتصادی طبقه کارگر ۲/۵۰، خرده بورژوازی سنتی ۳/۰۴، خرده بورژوازی جدید (۳/۷۹)، بورژوازی سنتی ۳/۸۰ و بورژوازی نو ۲/۵۳ بوده است که با توجه به سطح معناداری که کوچکتر از ۰/۰۵ است معنادار است. یافته های کیفی نشان می دهند که اگرچه صورت قبیله گرایي اقتصادی طبقه پایین و بالا مشابه است، اما

تفاوت محتوایی دارند. طبقه پایین «هرجا قیمت پایین تر باشد می‌خرد» و طبقه بالا «هرجا که کیفیت‌ها مناسب‌تر» باشد خرید خود را انجام می‌دهد:

«... بازار غیرت داشته باشید... همون‌طور که فاتحه و عروسی‌مون مشترکه، از فلانی... خرید نکنید؛ پس این برادری به چه دردی می‌خورد...» (مرد، ۳۸ ساله، مغازه‌دار، ۱۳۹۸/۵/۲۳).
 «تا وقتی فامیل خودت هست، چرا سود به برادر و فامیل خودت نرسه، اگه نبود، از فامیل قرض می‌گیرم. بام می‌سازه، آبروم نمی‌بره...» (زن، ۴۹ ساله، خانه‌دار، ۹۸/۵/۲۳).

طبقه بورژوازی نو نگاهی متفاوت دارد. طبقه بالا چیزی که در خرید برایش اهمیت دارد کیفیت است:

«... من معمولا از مغازه... خرید می‌کنم، اجناسش کیفیت بالاتری دارند» (مرد، ۳۶ ساله، طبقه بالا، ۹۷/۱۱/۲۳).

خرده‌بورژوازی نو که معمولا حقوق پایینی دریافت می‌کند، به دنبال «خرید سر برج» و ترکیبی از «قیمت» و «تاحدودی کیفیت» است:

«... والله من تموم خریدم از سوپرمارکت فلان سر حقوق انجام میدم، قیمت‌هاش هم مناسب هستش...» (معلم، ۴۸ ساله، بازنشسته).

جدول شماره ۷: آزمون تحلیل واریانس میانگین قبیله‌گرایی سیاسی در بین اقشار مختلف

منتهر	گروه	تعداد	میانگین	استاندارد	انحراف	منبع	مجموعه مجزوات	مجموع	آزادی درجات	مجموعه مجزوات	F	sig
قبیله‌گرایی سیاسی	کارگر	227	3.092	1.07064	تین گروهی	161.827	4	40.457	519	591.562	35.494	.000
	خرده‌بورژوازی ی کهنه	98	3.632	1.30335								
	خرده‌بورژوازی ی جدید	163	4.331	.94317	درون‌گروهی							
	بورژوازی سنتی	21	3.714	3.7143								
	بورژوازی جدید	15	4.666	4.6667								
	کل	524	3.648	3.6489	کل	753.389	523					

مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میزان قبیله‌گرایی سیاسی طبقه کارگر ۳/۰۹، خرده‌بورژوازی سنتی ۳/۶۳، خرده‌بورژوازی جدید ۴/۳۳، بورژوازی سنتی ۳/۷۱ و بورژوازی نو ۴/۶۶ بوده است؛ بنابراین، در قبیله‌گرایی سیاسی طبقه کارگر و بورژوازی سنتی مشابه هم عمل می‌نمایند. آزمون‌های تعقیبی نشان می‌دهند که قبیله‌گرایی سیاسی بورژوازی جدید و خرده‌بورژوازی نو از سایرین متمایز است. بنابر یافته‌های کیفی، آنها مناسبات قبیله‌ای را در راستای ارتقای سیاسی و سازمانی تعریف کرده‌اند:

«... ببینید ما باید کاری کنیم که دوره آینه‌ها یکی از طایفه‌ها برای مجلس کاندید بشه، کسی که هم بین طایفه خودمون و جاهت داشته باشه و هم بین طوائف دیگه، امروز همه‌جا فامیلیه، ببینید... مدیرکل... چند نفرشون استخدام کرد، چپ و راست معنی نداره...» (مرد، ۴۸ ساله، فوق‌لیسانس، کارمند).

«یک‌زمانی افراد ایل در جنگ و نزاع از هم دفاع می‌کردند... نشانه برادری شما رأی شماست... نه هزینه‌ای دارد، نه زحمتی. روی برگه رأی نام برادر خودتان بنویسید...» (مشاهده دیالوگ جمع انتخاباتی مجلس یازدهم، آبان ۹۸).

«... طایفه ما ظرفیت زیادی داره، من به‌عنوان یک پزشک حاضرم اگه گزینه لایقی از بستگان بیاید، کوزین‌های خودم برایش هزینه کنم...» (پزشک متخصص، شهریور ۹۸).

خرده‌بورژوازی نو و بورژوازی قادر است در صورت قبیله‌گرایی سیاسی، نقش‌های «منجی»، «راه‌نما و مسیریاب» و در برخی موارد «حامی» و/یا «کارچاق‌کن» در سیستم اداری را بازی کند. قادر است با ایراد خطبه در جمع‌های ایلی انتخاباتی، ایل را بسیج کند، روشنفکر است، فراست بازی سیاست را دارد اما روشنفکر ایلی و طایفه‌ای است.

در شرایط انتصاب یکی از افراد یک ایل به سمت‌های حذاقلی در ادارات، بنرهای تبریک، فضای مجازی و واقعی مراکز شهری را پر می‌کند در زیرنویس بنرها در سال‌های اخیر، عباراتی از طرف «... ایل، بستگان و فامیل، خانواده‌های و...» درج می‌شود (مشاهدات و تجربه زیسته نگارنده).

«... ببینید ما باید تلاش بکنیم یکی از افراد ایل خودمون به مجلس راه پیدا کنه، بعد ازش بخواهیم از بچه‌هایمان حمایت کنه، چند نفر به تهران منتقل کنه، چند نفر معاون وزیر و...» (مرد، هیئت‌علمی دانشگاه، ۵۷ ساله).

در انتخابات‌های مجلس و شوراهای اسلامی شهر و روستا، صحنه‌گردان انتخابات کسانی‌اند که مدرک تحصیلی دارند. حزب و گرایش سیاسی بیشتر یک «ژست سیاسی» است. آنها کانال‌های تلگرامی و جلسات ایلی را مدیریت می‌کنند. علی‌رغم عضویت رسمی در احزاب، تعیین‌کننده تعلق ایلی است.

جدول شماره ۸: تحلیل رگرسیون چندمتغیره قبیله‌گرایی

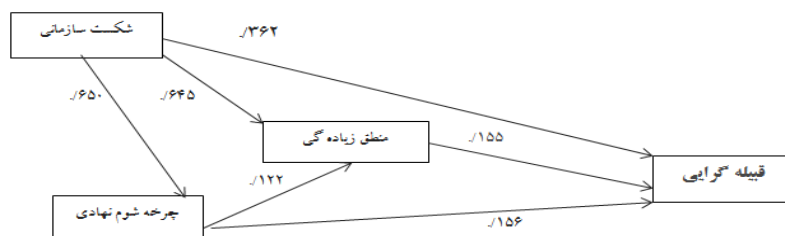
سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد		مدل
		Beta	خطای استاندارد	
.000	3.906		.349	1.363 (Constant)
.001	3.293	.155	.030	.099 منطق زیادگی
.000	5.869	.362	.055	.324 شکست سازمانی
.003	2.962	.156	.045	.133 چرخه شوم نهادی
.996	-.005	.000	.084	.000 سرمایه اجتماعی
.222	-1.223	-.046	.039	-.048 سرمایه فرهنگی
.585	.546	.038	.062	.034 آنومی
خطای استاندارد پیش‌بین ۰/۶۲۷	R ² تعدیل یافته ۰/۳۶۵	ضریب تعیین: ۰/۳۷۲	ضریب پی‌رسون: ۰/۶۱۰	

همان‌طور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود، از بین متغیرهای وارد شده به مدل، متغیرهای شکست سازمانی با بتای ۰/۳۶۲، چرخه شوم نهادی ۰/۱۵۶ و منطق زیادگی ۰/۱۵۵ رابطه مستقیم با متغیر قبیله دارند؛ به این معنا که هرچه میزان این متغیرها بیشتر باشد، میزان قبیله‌گرایی هم بیشتر خواهد بود. سطح معناداری متغیرهای مستقل کمتر از ۰/۰۵ است که به معنای تعمیم‌پذیری نتایج به جمعیت است. در مجموع، بنابر اطلاعات جدول فوق، متغیرهای مستقل فقط ۳۷ درصد متغیر وابسته قبیله‌گرایی را تبیین می‌کنند و ۶۳ درصد دیگر را متغیرهای خارج از مدل تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۹: محاسبه اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مدل علی بر متغیر قبیله گرایي

متغیر	اثر غیرمستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	مجموع اثر
شکست سازمانی	$.650 \times .156 = .1014$ خلییات منفی > منطق زیادگی > چرخه شوم > شکست سازمانی $.650 \times .122 \times .155 = .0122$ قبیله گرایي > منطق زیادگی > شکست سازمانی $.645 \times .122 \times .155 = .0122$	۰/۱۱۳۶	۰/۳۶۲	۰/۴۷۵۶
چرخه شوم	$.122 \times .155 = -.0189$ قبیله گرایي > منطق زیادگی > چرخه شوم نهادی	۰/۰۱۸۹	۰/۱۵۶	۰/۱۷۴۹
منطق زیادگی	-----	-----	۰/۱۵۵	۰/۱۵۵
مجموع اثر علی		۰/۱۳۲۵	۰/۶۷۳	۰/۸۰۵۵

بنابر اطلاعات جدول فوق، از بین متغیرهای مستقل، قوی ترین اثر، مربوط به شکست سازمانی با مجموع اثر ۰/۴۷ و پس از آن، تصور از وجود چرخه شوم نهادی با مجموع اثر ۰/۱۷۴ بوده است. اصلاح مدل با اثرگذاری سه متغیر شکست سازمانی، چرخه شوم و منطق زیادگی بیانگر آن است که متغیرهایی مانند سرمایه اجتماعی و فرهنگي تنها بر شرایط وضعیت نهادی می توانند وفق تئوری بوردیو کارکرد تمایزبخش خود را نشان دهند.



شکل شماره ۱: تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر قبیله گرایي

بحث و نتیجه‌گیری (قبیله‌گرایی به مثابه تعامل گونه‌های سرمایه، بر شرایط شکست سازمانی)

در شرایط عادی بین حلقه‌های هویتی، در قالب یک پیوستار از «فرد» گرفته تا «مای ملی»، تراحم اساسی وجود ندارد اما در برخی شرایط، منافع و مصالح حلقه‌های هویتی سطح خرد و میانه با منافع عمومی جامعه در تعارض قرار می‌گیرد. بنابر چارچوب نظری تحقیق و طبق نظریه روشتاین و استول و ریچارد رز، فقدان نهادهای کارآمد موجب بی‌اعتمادی به نهادها و روی آوردن به حلقه‌های غیررسمی می‌شود. در این شرایط، می‌توان انتظار داشت که شکست سازمانی و تصور وجود چرخه شوم نهادی باعث می‌شود کنشگران به روش‌های مختلف و ابداعی، از سازمان‌ها دیوان‌سالاری‌زدایی کنند و به گزینه‌های غیرقانونی به منظور دستیابی به اهداف خود روی بیاورند. در نهایت، براساس نظریه بوردیو انتظار می‌رود که کنشگران برحسب ترکیب و حجم سرمایه‌شان در میدان بازی‌کرنندی قبیله‌گرایی، عملکرد متمایز داشته باشند. در این تحقیق، یکی از خلیقات شهروندان استان ایلام با عنوان قبیله‌گرایی بررسی شده است. یافته‌ها نشان دادند که درکل، میانگین قبیله‌گرایی در بین پاسخگویان، بالاتر از میانگین است، به گونه‌ای که $66/2$ درصد در سطح زیاد و خیلی زیاد، اخلاق قبیله‌گرایی دارند؛ میانگین نمره قبیله‌گرایی در دامنه‌ای از ۱ تا ۵ برای نمونه برابر با $3/35$ بوده است. وضعیت نهادی در ترکیب با خط سیر مشابه پاسخگویان و دیررس بودن سرمایه‌ها موجب شده است میانگین قبیله‌گرایی در مجموع، بالاتر از میانگین باشد. وفق نظریه‌های نهادی سرمایه اجتماعی، یافته‌ها نشان دادند که با افزایش شکست سازمانی، تصور از چرخه شوم نهادی، آنومی اجتماعی، منطق زیادگی و سرمایه فرهنگی، میزان قبیله‌گرایی افزایش می‌یابد. این یافته با یافته‌های رز (۱۳۸۵) همسویند. همچنین رابطه این متغیر - قبیله‌گرایی - با متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی ($0/440-$) و اعتماد نهادی ($0/409-$) معکوس و معنادار است؛ به این معنای که با افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی، میزان قبیله‌گرایی کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج کار روشتاین و استول (۱۳۹۱) هم‌نویسند. در سنت جامعه‌شناسی فرانسوی از دورکیم تا بوردیو - تمیز بین پدیده‌هایی که صورت یکسان اما محتوای متفاوت دارند مورد توجه بوده است (بوردیو، ۱۳۸۴؛ دورکیم، ۱۳۸۵). به این منظور، در مقاله حاضر، تلاش شد تا بازی‌کرنندی قبیله‌گرایی در قالب صورت‌های متفاوت قبیله‌گرایی

- اجتماعی، سیاسی و اقتصادی- به‌مثابه یک واقعیت از هم تفکیک شوند. بنابر یافته‌ها، ۶۶/۲ درصد از پاسخگویان قبیله‌گرایی سیاسی، ۴۹/۲ درصد قبیله‌گرایی اقتصادی و ۳۷/۵ درصد قبیله‌گرایی اجتماعی در سطح زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند. بین جایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد و قبیله‌گرایی در مناسبات اجتماعی، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. این یافته‌ها با مدعیات نظری مستخرج از نظریه بوردیو همسویند. با تفکیک ابعاد مختلف قبیله‌گرایی، رابطه‌ای جدید بین گونه‌های مختلف سرمایه و قبیله‌گرایی نمودار می‌شود؛ خرده‌بورژوازی جدید، نمره بالایی در قبیله‌گرایی دارد که در مقایسه با طبقه کارگر و خرده‌بورژوازی سنتی، از سرمایه فرهنگی بیشتری حداقل در بعد نهادی برخوردار است و این با یافته‌های سجادیان (۱۳۹۴) و رضایی و بحرینی (۱۳۸۹) مبنی بر رابطه معکوس تحصیلات، طایفه‌گرایی و گرایش به نزاع جمعی در تعارض است، اما تأکید مطالعه حاضر، بر این نکته است که آنچه پس از تغییر در میزان سرمایه فرهنگی در بعد نهادی - مدرک تحصیلی - رخ می‌دهد، دگرگونی در صورت‌های بازپیکربندی قبیله‌گرایی است. آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که بورژوازی سنتی و طبقه کارگر به ترتیب بیشترین میزان قبیله‌گرایی اجتماعی و طبقه خرده‌بورژوازی نو و بورژوازی نو کمترین میزان «قبیله‌گرایی اجتماعی» را دارند. قبیله‌گرایی اقتصادی بورژوازی سنتی و خرده‌بورژوازی جدید نسبت به سایر گروه‌ها بالاتر است. صورت ظاهری قبیله‌گرایی اقتصادی بورژوازی جدید و طبقه کارگر در قبیله‌گرایی مشابه است. البته یافته‌های کیفی تمایز موجود را نشان می‌دهند؛ طبقه پایین «هرجا قیمت پایین‌تر باشد می‌خرد» و طبقه بالا «هرجا که کیفیت‌ها مناسب‌تر باشند». میزان «قبیله‌گرایی سیاسی» بورژوازی و خرده‌بورژوازی نو در مقایسه با سایر اقشار بیشتر است. این یافته اگرچه با یافته‌های دیگری مانند نتایج پژوهش میرزایی‌تبار و همکاران (۱۳۹۶) و رومینا و صادقی (۱۳۹۴) همسوست، اما این تحقیقات قادر به تفکیک صورت‌های مختلف این قبیله‌گرایی نبوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، خرده‌بورژوازی و بورژوازی نو، مناسبات قبیله‌ای را در راستای منافع شخصی خود جهت ارتقای سیاسی و سازمانی تعریف نموده‌اند و در انتخابات‌های محلی - شوراهای شهر و روستا و مجلس- به بسیج سایر اقشار کمک می‌کنند؛ بنابراین، هر قشری با عنایت به جایگاه خود در میدان و حجم و ترکیب سرمایه، وضعیت نهادی و عادت‌واره شکل‌گرفته بر این شرایط، به‌صورتی خاص، از این بازپیکربندی گرایش دارد. باوجوداین، طبق

گزاره‌های نظریه‌های جامعه‌ضدمدرن و روستاین می‌توان چنین استدلال نمود که «بازیگربندی قبیله‌گرایی/طایفه‌گرایی» تمهیدی است که، به تعبیر بوردیو، بر اثر عادت‌واره شکل گرفته است و برای کنشگران و شهروندان ضرورت اجرایی دارد و با فراست بازی بوردیویی در ارتباط است. افراد به‌عنوان اعضای قبیله برای اطمینان از اینکه در صورت نیاز به سازمان‌های اداری، باید یک نفر منافعشان را حفظ کند و در روزهای سخت، بتوانند به او متوسل شوند، تلاش دارند مناسبات قبیله‌ای خود را به‌مثابه یک حلقه هویتی حفظ نمایند. این شرایط در ارتباط با نظریه بوردیو، تمایزی در میزان شیوع صورت‌های مختلف قبیله‌گرایی با توجه به حجم و ترکیب گونه‌های مختلف سرمایه و خط سیر افراد ایجاد می‌کند که در نتیجه آن کنشگران متناسب با حجم و ترکیب سرمایه‌شان، به‌صورتی خاص، از قبیله‌گرایی پابند می‌شوند. عادت‌واره قبیله‌گرایی در ساحت‌های مختلف، چنان طبیعی می‌نماید که رفتار برخلاف آن و اندیشیدن در چارچوب مصالح ملی یا احزاب، دال بر «بی‌تعصبی»، «بی‌غیرتی» و «سادگی» تلقی می‌شود. «هنگامی که عادت‌واره در جهان اجتماعی‌ای قرار می‌گیرد که محصول آن است، همانند ماهی در آب، این جهان اجتماعی را کاملاً طبیعی می‌نگارد» (بون ویتز، ۱۳۹۶: ۱۰۱)؛ به این دلیل است که نمره بالاتر از میانگین قبیله‌گرایی را در بین دارندگان گونه‌های مختلف سرمایه شاهدیم. شاید سؤال پیش آید که چگونه این اتحاد ایلی و طایفه‌ای در کمترین زمان ممکن میسر می‌شود؟ در پاسخ می‌توان گفت عادت‌واره‌های کلی قبیله‌گرایی نزد این عاملان مشابه است و در نتیجه آنها نیازی ندارند که برای عمل کردن به شیوه مشابه، باهم مشورت کنند. آنها در تلاش برای تحقق پروژه شخصی‌شان، به‌طور خودبه‌خودی، با سایر اعضای طایفه و ایل هماهنگ می‌شوند. «قبیله‌گرایی اجتماعی» که در قالب «نزاع‌های دسته‌جمعی» و «ازدواج‌های درون‌گروهی» متبلور می‌شود، ذائقه فرودست و غیرمشروع «خلق قبیله‌گرایی» است که به لایه‌های پایین و طبقه کارگر در ایلات و طوایف منتسب است. آنها در ساحت قبیله‌گرایی اجتماعی قادرند نقش «برادر غیرتی»، «چوب پشت ایل»، «مسبب نزاع» و غیره را بازی کنند. البته در ساحت اجتماع هم مشروعیت رفتار را لایه‌های بالای قبیله و طوایف مشخص می‌کنند. «دعوا و نزاع مشروع» آن درگیری‌ای است که منافع لایه‌های بالای ایل یعنی دارندگان گونه‌های مختلف سرمایه - و نه افراد فرودست و پایین و فاقد سرمایه - را تهدید کند. لایه‌های بالای ایلات و طوایف قادرند در

مناسبات اجتماعی درون و برون‌گروهی نقش «مصلح»، «مشکل‌گشا» و «مسبب مظلوم» را ایفا کنند. لایه‌های پایین طوایف داشته‌های خود را - که چیزی جز «قدرت بدنی» و «ظرفیت سرسپردگی» به منافع جمعی طایفه نیست - به میان می‌آورند و عرضه می‌کنند اما دارندگان سرمایه در شرایط شکست سازمانی دارای «فراست بازی» هستند و از «وضعیت تداوم تأخیری» رنج نمی‌برند. برخلاف طبقهٔ پایین طوایف که قدرت ایل را برای نزاع بر سر موضوعات به تعبیر لایه‌های بالا بی‌ارزش - مانند مرتع، بگوومگوهای روزمره - می‌خواهد، آنها ظرفیت ایلی و طایفه‌ای را برای ارتقا در سلسله‌مراتب دیوان‌سالاری به کار می‌گیرند؛ با تلاش برای ایلی‌کردن انتخابات، ایلی‌کردن انتصابات اداری، چانه‌زنی و مهره‌چینی سیاسی در سطح استان، شهر و روستا، سرمایهٔ قبیله‌ای و طایفه‌ای را به کار می‌گیرند. آنچه بین لایه‌ها و اقشار مختلف طوایف و قبایل شاهدش هستیم، نوعی وضعیت تداوم تأخیری است (بون ویتز، ۱۳۹۶: ۱۰۴)؛ وضعیتی که معلول پس از توقف علت همچنان تداوم می‌یابد. نوعی ناهمسانی بین عادت‌وارهٔ قدیمی و شرایط جدید در حال رخ‌دادن است؛ لایهٔ پایین و طبقهٔ کارگر طوایف عادت‌وارهٔ نزاع و درگیری فیزیکی را همچنان حفظ کرده است، در صورتی که طبقهٔ بالا با تلطیف زندگی اجتماعی و دگرگونی صورت‌های مبارزه و مناقشهٔ قبیله‌ای، انتخابات، انتصابات و دیوان‌سالاری را قومی می‌کند؛ بنابراین، تفاوت بین لایه‌ها و اقشار در طوایف، حول محور «وضعیت تداوم تأخیری» می‌چرخد. البته وجود خط سیر مشابه زندگی روستایی و کشاورزی - نشان می‌دهد که علی‌رغم تحصیلات عالی، سبک زندگی مرتبط با شرایط خانوادگی شکل می‌گیرد. بخشی از لایه‌های فرودست طوایف، تنها از طریق انتخابات‌های محلی درگیر سیاست می‌شوند. آنها اگرچه قادر به درک زبان سیاست نیستند، با ترجمهٔ زبان کنشگران سیاسی به زبان ایلی توسط خرده‌بورژوازی نو، به کنشگران مطیع و رام سیاسی بدل‌شده، فاقد صلاحیت سیاسی شناخته می‌شوند. البته آنها منبعی خوب برای گرم کردن انتخابات به‌شمار می‌آیند؛ بنابراین، در پایان می‌توان چنین استدلال کرد که شکست سازمانی و زوال سرمایهٔ اجتماعی نهادی و سازمانی در جامعهٔ ایلام، به رجوع افراد به حلقه‌های هویتی خرد مانند ایل و قبیله منجر شده است و تداوم و بازیگر بندی قبیله‌گرایی در نهایت می‌تواند محصول و پیامد شکست سازمانی محسوب شود و سیطرهٔ اشکال مختلف آن را می‌توان با توسل به حجم و ترکیب سرمایه طبق نظریهٔ بورديو تبیین

کرد. هویت‌های جدید بناشده در مناطق ایلی شکست خورده‌اند، چون عملاً در «بزنگاه‌های مهم» به دلیل شکست سازمانی، قادر به ایفای نقش غیرطایفه‌ای خود نیستند و این هویت‌های جدید، متناسب با شرایط نهادی و از مجرای حجم و ترکیب سرمایه اشکالی مختلف به خود می‌گیرند؛ بنابراین، بازپیکربندی قبیله‌گرایی - قبیله‌گرایی - نه یک سنت و کنش سنتی، بلکه نوعی تدبیر برای جبران ناکارآمدی سازمان‌های بوروکراتیک از طریق عقب‌گرد به سوی روابط ماقبل‌مدرن محسوب می‌شود.

منابع

- ایمانی، محمدتقی (۱۳۸۱). تحقیق قوم‌نگاری در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، شماره‌های ۱۸۴ و ۱۸۳: ۶۲-۳۷.
- بصیری، محمدعلی و شادیوند، داریوش (۱۳۸۰). رفتار انتخاباتی در جوامع مبتنی بر فرهنگ عشیره‌ای (مطالعه موردی حوزه انتخابیه دهلران). اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌های ۱۶۷ و ۱۶۸: ۱۹۰-۱۹۷.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۴). کنش: دلایل عملی و انتخاب‌های عقلانی. ترجمه: مرتضی مریدیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۳). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. ترجمه: حسن چاوشیان. تهران: نشر ثالث.
- بون ویتز، پاتریس (۱۳۹۶). درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو. ترجمه: جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر. تهران: آگه.
- پیترز، جان ندروین (۱۳۹۵). نظریه توسعه: فرهنگ، اقتصاد، جامعه. ترجمه: انور محمدی. تهران: نشر گل‌آذین.
- جلایی‌پور، حمیدرضا و عزیززی مهر، خیام (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی ارزش‌های طبقاتی در ایران. مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۲: ۳۳۶-۳۱۹.
- حسن‌پور، آرش و قاسمی، وحید (۱۳۹۵). ساخت، طراحی و برازش مدل و ارائه سنجه‌ای برای سنجش سرمایه فرهنگی. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره‌های ۱ و ۲: ۵۵-۹۵.
- حسینی، سیدامیرحسین؛ علمی، زهرا؛ شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶). رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور. رفاه اجتماعی، شماره ۲۶: ۵۹-۸۴.

- رز، ریچارد (۱۳۸۵). کارها در جامعه ضد مدرن چگونه پیش می‌رود: شبکه‌های سرمایه اجتماعی در روسیه، در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. گردآورنده: کیان تاجبخش. ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.
- رضایی کلواری، نورالله و بحرینی، مجید (۱۳۸۹). مطالعه رابطه عوامل فرهنگی-اجتماعی با نزاع‌های دسته جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، شماره ۲۲: ۱۳۸-۱۶۲.
- رومینا، ابراهیم و صادقی، وحید (۱۳۹۴). بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی؛ مطالعه موردی شهرستان نورآباد ممسنی. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، شماره ۱۱: ۸۴-۱۱۶.
- سو، آلوین. ی (۱۳۸۸). تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی. ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شارع‌پور، محمود؛ فاضلی، محمد و اقراریان، الهه (۱۳۹۱). مطالعه بین‌کشوری اعتماد. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴: ۶۰-۸۹.
- طالب، مهدی، با همکاری موسی عنبری (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی توسعه روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- عنبری، موسی (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ. تهران: سمت.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی خلیلی. تهران: نشر نی.
- قاسمی، یارمحمد؛ رستمی، بتول (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان توسعه مناطق شهر ایلام. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۰: ۱۲۶-۱۵۲.
- کرایب، یان (۱۳۸۵). نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کرمپور، مصطفی و یوسفوند، سامان (۱۳۹۱). بررسی نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز. فصلنامه توسعه محلی (روستایی- شهری)، دوره چهارم، شماره ۲: ۱۶۴-۱۳۹.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مشونیس، جان (۱۳۹۵). مسائل اجتماعی. ترجمه: هوشنگ نایی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با همکاری شورای اجتماعی وزارت کشور. ج ۱.
- مریسی، فاطمه (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی در عمل: مورد همیاری در روستای ایت ایکتل: نقدی بر همبستگی سنتی در کشور مراکش، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. به کوشش کیان تاجبخش. ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه: ۶۵۲-۶۳۳.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. همدان: نشر نور علم.

- میرزایی تبار، میثم؛ حسینی، سیدمحمدحسین؛ صادقی، وحید (۱۳۹۶). تبیین رابطه طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی (نمونه‌پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی). *مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، شماره ۲: ۲۵-۵۴.
- نقدی، اسدالله؛ کیانی، محسن و جعفری، راحله (۱۳۹۱). سطح‌بندی استان‌های کشور از بعد توسعه فرهنگی با نگاهی به جایگاه ایلام با استفاده از تکنیک تاکسونومی و تحلیل عاملی. *فرهنگ ایلام*، شماره‌های ۳۴ و ۳۵: ۹-۲۸.
- نیازی، محسن؛ بهروزیان، بهروز؛ سخایی، ایوب و حسینی‌زاده آرانی، سیدسعید (۱۳۹۶). فراتحلیل رابطه بین طایفه‌گرایی و نزاع دسته‌جمعی با تأکید بر متغیر تعدیل‌گر قومیت. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، شماره ۳: ۱-۱۶.
- هسه بابیر، شارلن نگی (۱۳۹۵). *روش تحقیق آمیخته (به‌هم‌پیوستن نظریه با عمل)*. ترجمه: مقصود فراستخواه و زینب ترکمان، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- یوسفوند، سامان (۱۳۹۵). *مطالعه پدیدارشناختی مداخلات توسعه‌ای در اجتماعات محلی*. رساله دکتری. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- Rowland, Jennifer (2009). Democracy and the Tribal System in Jordan: Tribalism as a Vehicle for Social Change. *Independent Study Project (ISP) Collection*. 749.
- Spaaij, Ramon. (2006). Aspects of hooligan violence: A reappraisal of sociological research into football hooliganism. Accessible in: vuir.vu.edu.au